

عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی

در بین خانواده‌های تهرانی*

فریبرز محمدی****

مریم داودی***

ستار پروین**

چکیده

مقاله حاضر به بررسی طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در آن در شهر تهران می‌پردازد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانواده‌های ساکن در شهر تهران و حجم نمونه برابر با ۵۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت دو مرحله‌ای خوشه‌ای و تصادفی انجام شده و چارچوب نظری تحقیق، نظریه کارکردگرایی/ساختی است. فرض نظری این است که برهم خوردن تعادل ساختار خانواده و تغییر در کارکردهای قوام‌بخش آن، زمینه‌ساز طلاق عاطفی می‌باشد. روش تحقیق، پیمایش و داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته، احصا شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه معنادار با میزان طلاق عاطفی را دارند. همچنین نتایج رگرسیونی بیانگر آن است که متغیرهای مستقل تحقیق، حدود ۰/۶۶۵ از واریانس‌ها و تغییرات طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. از یافته‌های تحقیق استنباط می‌شود که هرگاه تعادل ساختار خانواده تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی بر هم می‌خورد، کارکردهای قوام دهنده تأثیرگذار آن مانند سرمایه اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت و... با چالش مواجه می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی باشد.

واژگان کلیدی

طلاق عاطفی، کارکردگرایی، نظم درون خانواده، سرمایه اجتماعی خانواده، دینداری

*- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی پدیده طلاق عاطفی: عوامل و پیامدها در سال ۱۳۹۰» است که با حمایت شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده در سال ۱۳۹۰ در تهران اجرا شده است.

** - استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (sparvin1359@gmail.com)

*** - کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران

**** - کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

۱- مقدمه و طرح مسئله

خانواده، به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری و کهن‌ترین هسته طبیعی، در همه جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد. ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق فروپاشی^۱ فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (Musai & et al 2011). همچنین علاوه بر افراد، بر بیکره جامعه هزینه‌های بسیاری را تحمیل می‌کند (Schramm2006). مطالعات نشان می‌دهد که در قرن نوزدهم تنها حدود ۵ درصد از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شد ولی در قرن بیستم و امروزه حدود نیمی از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. محققان عواملی مانند افزایش استقلال اقتصادی زنان، کاهش درآمد مردان بدون مدارج دانشگاهی، افزایش انتظارات شخص از ازدواج و پذیرش اجتماعی بیشتر طلاق را در این موضوع دخیل می‌دانند (Amato 2000).

طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن، خانواده صرفاً ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی

1- Disintegration

می‌باشد، در این حالت، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. طلاق رسمی به معنای طلاق عاطفی است یعنی پیش‌درآمد طلاق رسمی و قانونی، همیشه طلاق عاطفی است. لکن طلاق عاطفی این گونه نبوده و زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق می‌باشد.

رشد کمی و کیفی این پدیده در جامعه ایرانی، به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده به طوری که امروزه دیگر واژه طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را به عنوان یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. آمارها نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش است (شکل ۱). این وضعیت نشانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده می‌باشد. لازم به ذکر است، آمارهای موجود فقط طلاق رسمی را نشان می‌دهند ولی در مورد طلاق عاطفی در میان زوجین، تاکنون آمار رسمی معتبری اعلام نشده است.

بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۸۸ بیشترین تعداد طلاق‌ها در استان تهران با ۳۴۲۹۹ مورد و کمترین تعداد طلاق‌ها در استان ایلام با ۴۲۰ مورد بوده است. در سال ۱۳۸۹ تعداد طلاق ثبت شده ۱۳۷۲۰۰ مورد بوده و بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در این سال مربوط به استان تهران با میزان ۳۶۷۷۷ مورد بوده است. در نهایت آمار مربوط به سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که این استان با تعداد ۳۱۶۴۰ مورد همچنان دارای بالاترین نرخ طلاق در سطح کشور می‌باشد (<http://www.sabteahval.ir>).

شکل (۱) وضعیت میزان طلاق در سطح کشور بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹



منبع: سازمان ثبت احوال کشور

رشد طلاق در کلان‌شهر تهران به جهت وجود بافت پیچیده شهری حائز اهمیت است. تحولات و دگرگونی ساختار خانواده شهری و تأثیر آن در زندگی روزمره انسان‌ها، خانواده جدید را در مسیر نیازهای تازه‌ای قرار داده که برآورده شدن آن‌ها همواره میسر نیست. تأثیر تکنولوژی‌های جدید، رسانه‌ها و تحرک اجتماعی و کیفیت آن در جامعه شهری، معضلات عمده‌ای نظیر مسئله طلاق را عادی می‌نماید. وجود طلاق در بین اقشار مختلف جامعه، این پدیده را پیچیده و در هم تنیده نموده است. در فضای جامعه شهری، انسان‌ها در گذر از ساخت سنتی به ساخت جدید با سرگردانی و حیرانی در ارزش‌ها و هنجارها مواجه‌اند. این شرایط، نگرش شهرنشینان را نسبت به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌نماید.

در مطالعات آکادمیک ایران به موضوع طلاق عاطفی - به عنوان بعد پنهان طلاق زوجین - کمتر توجه شده است و مطالعات بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداخته‌اند. بنابراین خلأ این گونه تلاش‌های علمی، جدی به نظر می‌رسد. در تحقیق حاضر موضوع طلاق عاطفی در شهر تهران با استفاده از روش کمی (پیمایش) بررسی شده است. همچنین در این پژوهش تلاش می‌شود تا به بررسی بعد عاطفی طلاق در جامعه ایرانی (شهر تهران) و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن پرداخته شود.

۲- پیشینه تجربی تحقیق

همان‌طور که ذکر شد، طلاق عاطفی یکی از موضوعاتی است که کمتر مورد توجه تحقیقات علمی به ویژه در ایران قرار گرفته و تعداد این تحقیقات بسیار محدود است.

برادبری^۲ و دیگران در پژوهشی با عنوان «پژوهشی درباره ماهیت و تعیین‌کننده‌های رضایت از زناشویی» عوامل زیر را در رضایت از زناشویی مطرح می‌کنند:

۱- در این میان، باستانی و دیگران مطالعه‌ای انجام داده‌اند که جز معدود مطالعات جامعه‌شناسی در این حوزه است.

2 - Bradbury

- ۱) فرایندهای بین شخصی مانند شناخت، علاقه، فیزیولوژی، الگومندبودن رفتار، حمایت اجتماعی و خشونت.
- ۲) محیط اجتماعی که ازدواج‌ها در درون آن عمل می‌کند شامل زمینه‌های خرد^۱ (مانند حضور بچه، تحولات و استرس دهنده‌های زندگی).
- ۳) زمینه‌های کلان^۲ مانند عوامل اقتصادی (Bradbury & et al 2000: 964-980). لارسن و هولمن^۳ به بررسی عوامل مؤثر در ثبات و کیفیت زناشویی می‌پردازند. از نظر آن‌ها مهم‌ترین این عوامل موارد زیر است:
- ۱) عوامل زمینه‌ای و محیطی مانند خانواده اصلی (مانند طلاق والدین)
- ۲) عوامل اجتماعی - فرهنگی (مانند شغل)
- ۳) رفتار و ویژگی‌های فردی مانند سلامت عاطفی و سلامت فیزیکی
- ۴) فرایندهای تعاملی زوجین مانند همسان همسری (Larson & Holman 1994). باستانی و دیگران با استفاده از روش کیفی (نظریه مبنایی) یکی از مطالعات داخلی در این حوزه را انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۱۱ مقوله شامل عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، انتخاب نادرست همسر، عدم همدلی و همراهی، رفتارهای خشونت‌آمیز، عدم گذران وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، عدم احساس مسئولیت مرد و عدم تعادل روحی مرد از جمله شرایط علی تأثیرگذار در طلاق عاطفی

1- Micro-contexts
2- Macro-contexts
3- Larson and Holman

است (باستانی و دیگران ۱۳۸۹). نتایج مطالعه هنریان و یونسی نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار در طلاق (و طلاق عاطفی) شامل موضوعاتی مانند عدم مهارت ارتباطی، بیماری روحی، عدم بلوغ فکری و اعتماد است (هنریان و یونسی ۱۳۹۰). مطالعه مقصودی و محمدی بیانگر آن است که در بین زنان متخصص در بیمارستان، بین فرسودگی شغلی و دلزدگی زناشویی رابطه‌ای معنادار وجود دارد (مقصودی و محمدی ۱۳۸۹). همان طور که اشاره شد، به موضوع طلاق عاطفی در محافل و تحقیقات علمی - به ویژه داخلی - کمتر توجه شده است، هر چند در ارتباط با مفاهیم نزدیک به این مفهوم مانند کیفیت زناشویی، تعارض زناشویی و... - به ویژه در حوزه روان‌شناسی - مطالعات زیادی انجام شده است. مطالعه حاضر تلاش می‌کند تا با استفاده از روش کمی و با رویکرد جامعه‌شناختی، موضوع طلاق عاطفی را در بین خانواده‌های تهرانی بررسی کند.

۳- ابعاد مفهومی و چارچوب نظری تحقیق

پل بوهانون عمده انواع جدایی‌ها را که در فرآیند طلاق پیش می‌آید، چنین برمی‌شمرد: طلاق عاطفی،^۱ طلاق روانی،^۲ طلاق قانونی،^۳ طلاق

-
- 1- The Emotional Divorce
 - 2- The Psychico Divorce
 - 3- The Legal Divorce

اقتصادی^۱ و طلاق اجتماعی^۲ (ستوده و بهاری ۱۳۸۶). طلاق‌ها را می‌توان به دو دسته متمایز تقسیم کرد:

۱: طلاق آشکار: به طلاق گفته می‌شود که زوجین با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یکدیگر جدا شده و سند ازدواج خود را باطل کرده باشند.
 ۲: طلاق پنهان: طلاق‌هایی هستند که از همه نظر ویژگی‌های طلاق‌های نوع اول را دارند، ولی به دلیل وجود موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص آشکار نمی‌شوند. در واقع این گونه طلاق‌ها بدون ابطال ازدواج اتفاق می‌افتند. در این نوع طلاق، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر ارتباط‌های بین آن‌ها یا کاملاً قطع شده و یا بدون میل و رضایت است. زوجین مبتلاً ممکن است سال‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط‌های کلامی) بهترین ایام عمر خود را تلف کنند (همان: ۱۳۸۶). به این نوع طلاق، «طلاق خاموش» یا «طلاق عاطفی» نیز گفته می‌شود. طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود ولی در واقع خانواده از درون تهی است، چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است. طلاق عاطفی می‌تواند طیف وسیعی از قهرهای ساده تا بگو مگوهای جدی و درگیری‌های فیزیکی و خشونت را در برگیرد. طلاق فرایندی است که با

1- The Economic Divorce

2- The Community Divorce

تجربه بحران عاطفی شروع شده و با سعی در حل تعارضات زناشویی از طریق جدایی با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (اخوان تفتی به نقل از وایزمن و گاتمن ۱۳۸۲). عده‌ای موضوع طلاق روانی را مطرح می‌کنند این نوع طلاق به معنای بی‌علاقگی نسبت به همسر و در پیش گرفتن زندگی جدید با پیوندها و تعهدات عاطفی جدید است (برناردز ۱۳۸۴: ۲۵۲).

چارچوب نظری تحقیق، نظریه کارکردگرایی ساختی می‌باشد. انگاره اصلی در این نظریه، ناظر بر کارکردها و فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع جامعه یا گروه‌های اجتماعی است. این کارکردها شامل مواردی مانند تولید مثل، تولید اقتصادی، تعلیم و تربیت، دین، تفریح و مهم‌تر از همه کارکردها یا وظایفی است که برای دستیابی جامعه به ثبات باید انجام شود. از نظر مرداک چهار کارکرد اصلی خانواده کارکرد جنسی، اقتصادی، آموزشی و تولید مثل است. پارسونز دو کارکرد اصلی خانواده را اجتماعی کردن بچه‌ها و حفظ شخصیت بزرگسالان در نظر می‌گیرد (همان: ۷۴ و ۷۵). به عقیده پارسونز در جوامع صنعتی پیشرفته خانواده تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و تبدیل به خانواده منزوی شده است و در عین حال سایر کارکردهای آن مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و تربیتی، خدماتی، محافظتی و... نیز به نهادها و سازمان‌های اجتماعی دیگر مانند شرکت‌ها، کارخانه‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها واگذار شده است. به نظر وی، فرایند توسعه صنعتی

به بروز انشقاق در خانواده منجر شده و علت این تحول، نخست جدا ساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خانگی به خانواده تک هسته‌ای کوچک بوده است. در نتیجه، خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و تنها به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است. به نظر پارسونز ایفای نقش‌های تخصصی مردانه و زنانه به دوام خرده نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی کمک می‌کند. پدر نقش ایزاری را بر عهده دارد، زیرا حلقه ارتباطی بین خانواده و جامعه تلقی شده و نیازهای مادی خانواده را تأمین می‌کند و زن نقش بیانگر را درون خانواده ایفا می‌کند (سگالن ۱۳۸۵: ۸۸). بر همین اساس وی معتقد است که انگاره خانواده معاصر با ویژگی‌های جامعه امروزی صنعتی سازگار است.

در این دیدگاه، خانواده به عنوان نظامی در نظر گرفته می‌شود که ورودی، خروجی و فرایندهایی دارد. پیش فرض‌های اصلی این نظریه به نظر اپستین و بیشاپ شامل موارد زیر است:

- اعضای خانواده با هم مرتبط‌اند.
- هر عضو خانواده بدون ملاحظه اعضای دیگر مفهوم نیست.
- کارکرد خانواده با ملاحظه درک همه اعضای خانواده ممکن است.
- ساختار و سازمان خانواده در تعیین رفتار اعضا تعیین کننده است.
- با تمرکز بر کلیت خانواده می‌توان هم نظم و هم تغییر را فهمید (آزاد ارملی به نقل از اپستین و بیشاپ ۱۳۸۶: ۲۷).

در رویکرد کارکردگرایی، هنگامی که در کارکردهای خانواده اختلال ایجاد شود، نظام خانواده دچار کژکارکردی می‌شود. این وضعیت به خانواده‌هایی اطلاق می‌شود که در ایجاد و تثبیت ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و رفتارهای اجتماعی در محیط خانوادگی شکست خورده‌اند، خانواده کژکارکردی از بی‌سامانی را در قالب خانواده‌های به‌هم ریخته و آشفته نشان می‌دهد که در آن بی‌توجهی به یکدیگر، برخورد و درگیری، رفتار ناشایست و خشونت و بدرفتاری رواج دارد (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۵۶۹).

فرض نظری تحقیق آن است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه، خانواده سنتی ایرانی برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا اینکه کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آن‌ها با چالش مواجه شده است. بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار و زمینه‌ساز در طلاق عاطفی را در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد:

الف - وقتی که کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجهه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. چنانچه وقتی خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا اینکه در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش‌دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن)، نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می‌یابد. فرسودگی شغلی

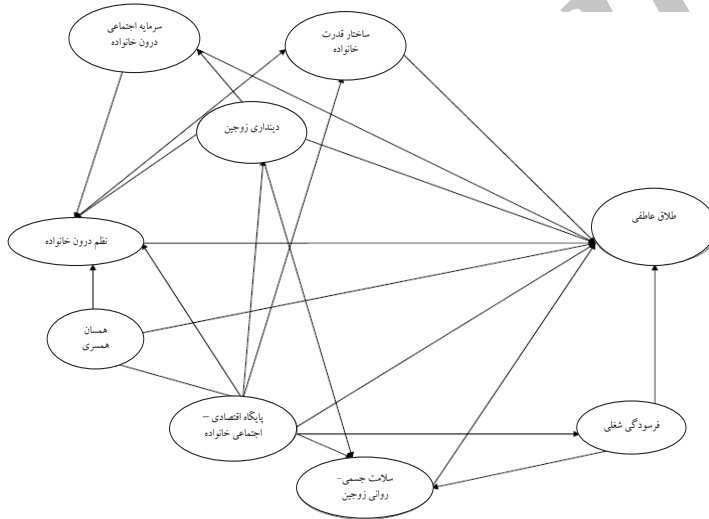
زوجین در این دسته قرار می‌گیرد، زیرا سختی معیشت می‌تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر و خستگی‌های ناشی از آن می‌تواند روابط عاطفی خانواده را با چالش مواجه کند.

ب- زمانی که خانواده در کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجهه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین شده برای آن بسیج کند. مواردی مانند نبود سلامت جسمی- روانی زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف مورد نظر دور کند.

ج- وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود؛ این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند، نمونه آن را می‌توان در موردی جست‌وجو نمود که نقش‌های جنسیتی در خانواده و نظام هنجاری تقسیم نقش‌ها مختل می‌شود. در این صورت بایستی منتظر اختلاف در خانواده و افزایش احتمال طلاق عاطفی و سپس طلاق واقعی بود. سرمایه اجتماعی خانواده و نظم اجتماعی آن در این کارکرد قرار می‌گیرد.

د- هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده باز می‌ماند؛ در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و لذا با به وجود آمدن کمترین اختلافی آماده برای گسستن این پیوند می‌گردند.

دینداری خانواده می‌تواند از عوامل کاهش دهنده طلاق عاطفی در خانواده باشد، به این معنا که دینداری می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای زوجین در حفظ و بقای خانواده و الگوهای فرهنگی مناسب آن فراهم سازد.



شکل (۲) مدل نظری تحقیق

۴- فرضیات تحقیق

- پیش فرض‌های موجود در این تحقیق به شرح زیر است:
- بین ساختار قدرت خانواده و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
 - بین وضعیت شغلی و کار در بیرون زوجین (فرسودگی شغلی) و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.

- بین میزان همسانی و اشتراکات زوجین قبل از ازدواج و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- بین دینداری زوجین و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- بین سلامت روانی و جسمانی زوجین و میزان طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- بین نظم درون خانواده و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی درون خانواده و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.

۵- روش شناسی تحقیق

۵-۱- روش مطالعه

در این پژوهش روش مطالعه پیمایش است. ابزار جمع آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته می‌باشد. داده‌های احصا شده پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است.

۵-۲- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه خانواده‌های سطح شهر تهران است. بر اساس آمار ارائه شده از مرکز آمار ایران، تعداد کل خانواده‌های تهرانی در سال ۱۳۸۷ برابر با ۲۲۶۸۷۶۶ بوده است. برای انتخاب نمونه در وهله اول

بر اساس مناطق چندگانه شهرداری، شهر تهران به ۵ پهنه تقسیم‌بندی شد. مبنای این تقسیم‌بندی بر اساس سطح توسعه‌یافتگی فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی مناطق است (موسایی ۱۳۸۶). بدین معنا که مناطق ۳، ۲، ۱ و ۶ در پهنه اول، مناطق ۱۱، ۵، ۴، ۲۱ و ۲۲ در پهنه دوم، مناطق ۱۳، ۱۲، ۷ و ۱۸ در پهنه سوم، مناطق ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۵ و ۲۰ در پهنه چهارم و مناطق ۱۷، ۹، ۸ و ۱۹ در پهنه پنجم قرار دارند. سپس از هر پهنه، یک منطقه به شیوه تصادفی ساده انتخاب گردید. جهت انتخاب تصادفی افراد نقشه‌های مناطق مذکور تهیه شد و در آن‌ها برای هر منطقه نواحی، محلات، بلوک‌ها و کوچه‌ها مشخص و در نقشه هر منطقه بلوک‌ها و کوچه‌های آن با علامت تعیین شد. این نقشه‌ها به تعداد پرسش‌گران تکثیر و در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در مرحله بعد هر پرسش‌گر در بلوک و کوچه مورد نظر خود به طور تصادفی خانه‌ای انتخاب و با سرپرست خانواده مصاحبه انجام گرفت. حجم نمونه در این پژوهش نیز ۵۰۰ نفر است.

۳-۵- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها^۱

۱-۳-۵- متغیر وابسته

طلاق عاطفی: اشاره به روابط سرد و پر تنش زوجین دارد و زمانی اتفاق می‌افتد که زوجین در ظاهر به زندگی مشترک خود بنا به هر دلیلی

۱- کلیه شاخص‌ها در سطح سنجش فاصله‌ای با نمره بین ۱ تا ۵ سنجیده شده‌اند.

ادامه می‌دهند ولی روابط میان آنها پر از مشاجره و بگومگوهای لفظی و گاهی برخوردهای فیزیکی است. این مفهوم دو بعد روانی (ذهنی) و رفتاری (عینی) دارد. برای سنجش طلاق عاطفی از گویه‌های مانند موارد زیر استفاده شده است:

تا چه حد از اوقاتی که با همسرتان هستید احساس شادمانی می‌کنید/ تا چه حد شما و همسرتان به یکدیگر ابراز علاقه می‌کنید/ تا چه حد در فضای خانواده شما احساس شادی و نشاط وجود دارد/ تا چه حد از گذراندن اوقات فراغت با همسرتان در درون و بیرون خانه رضایت دارید/ تا چه حد از زندگی زناشویی خود احساس رضایت‌مندی دارید.

۵-۳-۲- متغیرهای مستقل

الف- سرمایه اجتماعی: این متغیر به معنای هنجارها و شبکه‌های قوام دهنده و پیوند دهنده میان اعضای یک گروه انسانی است. سرمایه اجتماعی درون خانواده دو بعد اساسی دارد: مشارکت و اعتماد زوجین. جهت عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی درون خانواده از گویه‌های مانند موارد زیر استفاده شده است: چقدر تلاش می‌کنید در مسافرت‌هایتان همسرتان هم حضور داشته باشد/ در طول یک ماه چقدر با اقوام نزدیک خود نشست و برخاست دارید/ در امور منزل تا چه حد مشارکت دارید/ تا چه حد فضای خانه را مبتنی بر مشارکت می‌بینید.

ب- دینداری زوجین: به معنای اعتقاد ذهنی و عملی افراد به باورها و مناسک دینی است. جهت سنجش این مفهوم از گویه‌هایی مانند موارد زیر استفاده شده است: به انجام واجبات دینی مثل نماز، روزه و ... اهمیت میدهم / به روزه قیامت و محاسبه اعمال اعتقاد درونی دارم / تلاش می‌کنم معلومات دینی‌ام را روز به روز بیشتر کنم / از مال حرام در زندگی‌ام دوری می‌کنم.

ج- نظم درون خانواده: شاخص نظم در چهار بعد زیر سنجیده شده است:

- هم‌بختی: اعضای خانواده باید با یکدیگر بخت مشترک و نفع و اقبال مشترک داشته باشند.

- همگامی: اعضای خانواده باید در رفع مشکلات سوگیری موافق و هماهنگ داشته باشند و به عبارت دیگر همگام باشند و در یک جهت حرکت کنند.

- همدلی: افراد خانواده باید با هم احساس همدلی داشته باشند و برای آن تلاش کنند.

- همفکری: اعضای خانواده باید در زمینه رفع این مشکلات با یکدیگر مشورت و همفکری داشته باشند (چلبی ۱۳۸۶: ۲۳۳). برای عملیاتی کردن این مفهوم از گویه‌های زیر استفاده شده است: در حل مسائلی مانند مشکلات اقتصادی، پیشرفت تحصیلی و شغلی من و همسر من با هم همکاری و اشتراک

نظر داریم/ در انجام دادن امور منزل مانند خرید، مسافرت، تربیت فرزندان، دخل و خرج منزل و... من و همسر هم‌هنگ عمل می‌کنیم و ...

د- ساختار قدرت خانواده: منظور این است که در تصمیم‌گیری‌های امور خانواده، چه کسی تصمیم می‌گیرد و چه فضایی بر تصمیمات خانواده حاکم است. برای سنجش این متغیر گویه‌های زیر استفاده شده است:

امور خانه با همفکری من و همسر و اعضای خانواده مدیریت می‌شود/
اعضای خانواده در ارائه نظرات خود آزادند / من و همسر به نظرات همدیگر و فرزندان احترام می‌گذاریم/ در منزل ما یک نفر حرف اول و آخر را می‌زند و ...

ه- همسان همسری: با این متغیر میزان همسانی‌های فرهنگی، فکری، اقتصادی، دینی و اجتماعی، تحصیلی و سلامت زوجین سنجیده می‌شود. برای عملیاتی کردن این شاخص از گویه‌های زیر استفاده شده است:

از نظر طرز فکر بین شما و همسران تا چه حد، تناسب وجود دارد/
فکر می‌کنید از نظر سطح فرهنگی چقدر با همسران اشتراک دارید/ از لحاظ شخصیتی شما و همسران چقدر با یکدیگر تناسب دارید و...

و- وضعیت اجتماعی- اقتصادی (SES) خانواده: این متغیر عبارت است از میزان برخورداری والدین افراد از دارایی‌های مادی و معنوی مهمی که نشان دهنده جایگاه اقتصادی و اجتماعی‌شان در جامعه است. درآمد، تحصیلات، شغل و دارایی‌های مادی والدین افراد (یا سرپرست‌های آن‌ها)

و هزینه زندگی والدین به عنوان مهم‌ترین متغیرهای وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد در نظر گرفته شده‌اند. برای سنجش این مفهوم از گویه‌های زیر استفاده شده است:

میزان درآمد ماهیانه خانواده/ وضعیت شغلی سرپرست خانواده / میزان تحصیلات سرپرست خانواده و همسر.

ز- فرسودگی شغلی: این متغیر نشانه خستگی مفرط عاطفی است که در نتیجه درگیری و مشغولیت فراتر از توان بر فرد مستولی می‌شود. این حالت خستگی فیزیکی، هیجانی و روانی به دنبال قرار گرفتن طولانی مدت در موقعیت کار سخت است. این متغیر با گویه‌هایی مانند «به خاطر کار زیاد و خستگی، همسرم به خانواده یا من کم توجهی می‌کند» و... سنجیده شده است.

ح- سلامت روانی- جسمی زوجین: این متغیر عبارت است از تأمین رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی، بنابراین نداشتن بیماری به معنای سلامت نیست بلکه شخص سالم کسی است که از سلامت روح نیز برخوردار و از جهت اجتماعی نیز در آسایش باشد، بنابراین سلامت ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی دارد. گویه‌هایی مانند «همسرم از سلامت روحی و جسمی برخوردار است و بیماری خاصی ندارد» و... این متغیر را سنجیده‌اند.

۵-۴- روایی و پایایی ابزار سنجش

در تحقیق حاضر برای میزان روایی ابزار سنجش - با توجه به آنکه شاخص‌های مشخصی وجود ندارد - از نظرات صاحب‌نظران حوزه خانواده جهت انتخاب گویه‌های مربوط به شاخص‌ها استفاده شده است. برای سنجش پایایی ابزار سنجش، پرسش‌نامه آزمون مقدماتی با ۵۰ پاسخ‌گو اجرا و برای هر یک از آن‌ها آلفای کرونباخ محاسبه گردید که نتایج آن در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود.

جدول (۱) ضریب پایایی مقیاس‌ها در پرسشنامه نهایی

پرسش‌نامه مقدماتی		شاخص	پرسشنامه مقدماتی		شاخص
ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها		ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۸۸	۱۰	دینداری	۰/۹۳	۱۴	سرمایه اجتماعی خانواده
۰/۹۲	۷	همسان‌همسری	۰/۹۵	۷	نظم درون خانواده
۰/۹۳	۶	فروودگی شغلی	۰/۹۳	۱۴	طلاق عاطفی
۰/۸۳	۷	ساختار قدرت	۰/۶۶	۵	سلامت جسمی - روحی

۶- یافته‌های تحقیق

۱-۶- یافته‌های توصیفی

الف - جنسیت: بر اساس نتایج، ۵۵/۹ درصد از پاسخ‌گویان مرد و حدود ۴۴/۱ درصد زن هستند.

ب- سن: بیشترین فراوانی حدود ۳۲/۹ درصد در فاصله سنی ۲۷-۳۴ سال قرار دارند.

ج - تحصیلات: ۳۵/۳ درصد از پاسخ‌گویان تحصیلات متوسطه و دیپلم دارند که بیشترین فراوانی در بین طبقات تحصیلی است. همچنین بیشترین فراوانی تحصیلات همسر در این طبقه قرار دارد.

د - نوع شغل: بر اساس نوع شغل ۳۸/۴ درصد از سرپرستان خانواده‌ها مشاغل آزاد دارند.

نتایج توصیفی شاخص‌ها نشان می‌دهد که شاخص سرمایه اجتماعی درون خانواده وضعیت مناسبی دارد به طوری که در ۵۴/۴ درصد از خانواده‌ها، این شاخص در سطح بالایی قرار دارد. همچنین شاخص دینداری خانواده‌ها حاکی است که این شاخص در ۶۲/۳ درصد از خانواده‌ها در سطح مناسب و بالایی قرار دارد. شاخص نظم درون خانواده‌ها یکی دیگر از شاخص‌های مطالعه شده است که در ۶۸/۴ درصد از خانواده‌ها در سطح بالایی قرار دارد. از دیگر نتایج تحقیق، بررسی همسانی زوجین و تناسب آن‌ها در موضوعات مختلف می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که وضعیت همسان همسری در سطح

مناسب و مطلوبی است به طوری که طبق نظرات پاسخ‌گویان فقط ۳/۷ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که میزان همسان همسری در بین آن‌ها پایین است. یکی دیگر از شاخص‌های بررسی شده فرسودگی شغلی است، بر اساس نتایج، این میزان در سطح خانواده‌های تهرانی بالا نیست به طوری که در ۴۵/۱ درصد از خانواده این میزان در سطح کم و پایینی وجود دارد. پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها نشان می‌دهد که ۵۴/۷ درصد از خانواده‌ها در سطح متوسط هستند. یکی از نتایج تأمل برانگیز و قابل توجه میزان شیوع طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی است. نتایج تحقیق حاضر حاکی است که حدود ۶/۵ درصد از خانواده‌های تهرانی معتقدند که مبتلابه طلاق عاطفی هستند. شاخص سلامت جسمی و روحی نشان می‌دهد که ۹۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که سطح سلامت جسمی و روحی متوسط و بالایی دارند و مابقی از وضعیت سلامت خود رضایت نداشته‌اند.

جدول (۲) فراوانی درصدی شاخص‌های تحقیق

شاخص	پایین	متوسط	زیاد
طلاق عاطفی	۵۷/۲	۳۶/۳	۶/۵
سلامت جسمی - روانی	۷/۶	۴۶/۴	۴۶
سرمایه اجتماعی درون خانواده	۲/۳	۴۳/۳	۵۴/۴
دینداری	۴	۳۳/۷	۶۲/۳
نظم درون خانواده	۴/۹	۲۶/۷	۶۸/۴
همسان همسری	۳/۷	۵۷/۳	۳۹
فرسودگی شغلی	۴۵/۱	۴۷	۷/۹
پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده	۱۷/۷	۵۴/۷	۲۷/۶

۶-۲- آزمون فرضیات

جدول شماره (۳) نتایج آزمون فرضیات تحقیق و رابطه متغیرهای مستقل تحقیق را با طلاق عاطفی سنجیده است. بر اساس نتایج، به جز فرسودگی شغلی سایر روابط مثبت است. همچنین جدول بیانگر آن است که پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده ارتباط معناداری با طلاق عاطفی ندارد؛ لذا در این حالت فرض تحقیق رد شده و فرض صفر که بیانگر نبود رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و طلاق عاطفی است، تأیید می‌شود. همچنین جدول نشان می‌دهد که نظم درون خانواده با میزان ۰/۶۹۸ - و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ رابطه‌ای قوی و مثبت با میزان طلاق عاطفی دارد و

پس از آن ساختار قدرت در خانواده قرار دارد. جدول فوق حاکی است که پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده‌ها در شهر تهران با میزان طلاق عاطفی ارتباط معنادار آماری ندارد، به عبارت دیگر می‌توان استنباط کرد که در همه طبقات اجتماعی طلاق عاطفی می‌تواند مشاهده شود. بر اساس یافته‌های جدول، می‌توان گفت که سایر متغیرهای مستقل تحقیق یعنی ساختار قدرت خانواده، فرسودگی شغلی، همسان همسری، دینداری، سلامت زوجین، نظم و سرمایه اجتماعی خانواده ارتباط معنادار آماری و البته منفی دارند. بدین معنا که با بالا رفتن این متغیرها میزان طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی کاهش می‌یابد، بنابراین این عوامل بر طلاق عاطفی تأثیرگذارند.

Archive SID

جدول (۳) آزمون فرضیات تحقیق و میزان ضریب همبستگی پیرسون

ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
۱	رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و طلاق عاطفی	-۰/۶۳۱	۰/۰۰۰
۲	رابطه بین فرسودگی شغلی زوجین و طلاق عاطفی	۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
۳	رابطه بین میزان همسانی و اشتراکات زوجین قبل از ازدواج و طلاق عاطفی	-۰/۴۹۴	۰/۰۰۰
۴	رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و طلاق عاطفی	-۰/۰۴۹	۰/۴۳۴
۵	رابطه بین دینداری زوجین و طلاق عاطفی	-۰/۴۳۵	۰/۰۰۰
۶	رابطه بین سلامت روانی و جسمانی زوجین و طلاق عاطفی	-۰/۶۰۲	۰/۰۰۰
۷	رابطه بین نظم درون خانواده و طلاق عاطفی	-۰/۶۹۸	۰/۰۰۰
۸	رابطه بین سرمایه اجتماعی درون خانواده و طلاق عاطفی	-۰/۵۶۳	۰/۰۰۰

* معنی داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان ** معنی داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان

۳-۶- تحلیل رگرسیونی

برای تعیین اثر کل متغیرهای مستقل در متغیر وابسته، کلیه متغیرهای مستقل به صورت گام به گام وارد تحلیل شده و اثرات کلیه متغیرهای مستقل در متغیر وابسته بررسی شد. در این مدل تمام متغیرهای مستقل (سطح سلامت جسمانی - روانی زوجین، ساختار قدرت در خانواده، میزان سرمایه اجتماعی درون خانواده، سطح دینداری زوجین، میزان نظم درون خانواده،

میزان همسان همسری، میزان فرسودگی شغلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان رضایت جنسی زوجین از همدیگر و مدت ازدواج) که قبلاً سطح همبستگی درونی آن‌ها سنجیده شده و معنادار بوده‌اند وارد تحلیل شدند. ضریب همبستگی کل متغیرهای مستقل با متغیر وابسته ۰/۸۱۶ و ضریب تعیین ۰/۶۶۵ به دست آمده است. میزان ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای موجود در مدل توانسته‌اند ۶۶/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. مابقی مدل توسط عوامل دیگری که خارج از مدل نظری است، تبیین می‌شود.

همان طور که مشاهده می‌شود در جدول شماره (۴) ضرایب رگرسیونی و سطح معنی‌داری هر کدام از متغیرهای مستقل دیده می‌شود، که در این مدل متغیرهای «میزان سرمایه اجتماعی درون خانواده، ساختار قدرت در خانواده، سطح سلامت جسمانی - روانی زوجین، سطح دینداری زوجین، میزان نظم درون خانواده و میزان همسان همسری» معنادار شدند و همچنین متغیرهای «میزان فرسودگی شغلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان رضایت جنسی زوجین از همدیگر و مدت ازدواج» با توجه مقدار T و سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار نبوده‌اند. از این رو با توجه به ضرایب β می‌توان میزان تأثیر متغیرها را با هم مقایسه کرد. نظم درون خانواده بیشترین تأثیر معکوس را در میزان طلاق عاطفی در بین زوجین داشته است. بدین ترتیب که هرچه میزان نظم درون خانواده بالاتر باشد میزان طلاق عاطفی در بین زوجین کمتر است.

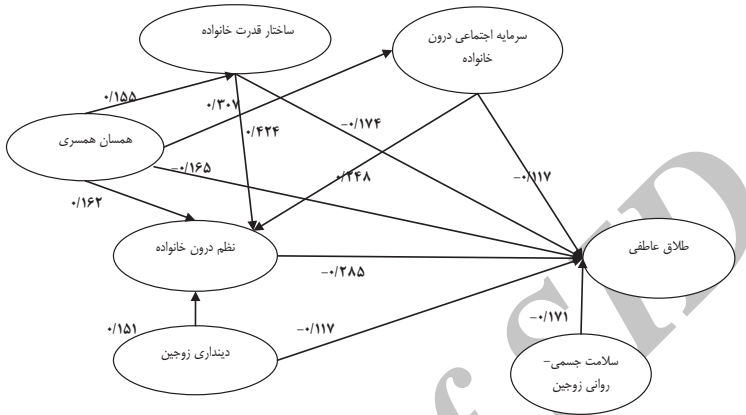
ساختار قدرت در خانواده نیز با توجه به ضرایب به دست آمده متغیر بعدی است که بیشترین اثر را در میزان طلاق عاطفی در بین زوجین داشته است، بدین معنی که هرچه میزان قدرت تصمیم‌گیری زوجین در درون خانواده بالاتر رود به همان اندازه میزان طلاق عاطفی در بین زوجین نیز کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به سطح معناداری ۰/۰۵ و ضرایب β به دست آمده متغیرهای «سطح سلامت جسمی - روانی زوجین، همسان همسری زوجین، میزان دینداری زوجین و میزان سرمایه اجتماعی درون خانواده» به ترتیب متغیرهای بعدی هستند که با میزان طلاق عاطفی در بین زوجین بیشترین اثر را دارند. به این معنا که هرچه میزان متغیرهای مذکور بالا رود به همان اندازه میزان طلاق عاطفی در بین زوجین کاهش می‌یابد.

جدول (۴) ضرایب β ، مقدار T و سطح معنی داری متغیرها در معادله رگرسیونی

Sig	T	B	بتا (β)	متغیرها
۰/۰۰۰	۱۹/۰۲۰	۴/۳۵۱		مقدار ثابت
۰/۰۲۹	-۲/۱۹۷	-۰/۱۶۰	-۰/۱۷۱	سطح سلامت جسمی - روانی زوجین
۰/۰۳۵	-۲/۱۲۲	-۰/۱۳۱	-۰/۱۱۷	میزان سرمایه اجتماعی درون خانواده
۰/۰۱۷	-۲/۴۰۸	-۰/۱۲۱	-۰/۱۱۷	سطح دینداری زوجین
۰/۰۰۰	-۴/۸۶۸	-۰/۲۹۴	-۰/۲۸۵	میزان نظم درون خانواده
۰/۰۰۱	-۳/۳۵۴	-۰/۱۸۱	-۰/۱۶۵	میزان همسان همسری زوجین
۰/۰۰۴	-۲۹۱۲	-۰/۱۷۱	-۰/۱۷۴	ساختار قدرت در خانواده
$R^2=۰/۶۶۵$			$R=۰/۸۱۶$	$R^2=۰/۶۴۸$ تصحیح شده

۶-۴- تحلیل مسیر

با توجه به داده‌های جدول شماره (۴) می‌توان استنباط کرد که متغیرهایی شش گانه «نظم درون خانواده، ساختار قدرت در خانواده، سلامت زوجین، همسان همسری، دینداری و سرمایه اجتماعی درون خانواده» از عناصر کارکردی قوام دهنده خانواده هستند، به دیگر عبارت به هر میزان خانواده از این عناصر برخوردار باشد میزان طلاق عاطفی بین زوجین کاهش می‌یابد. در این میان، نظم درون خانواده بیشترین تأثیر را دارد و پس از آن متغیرهای ساختار قدرت خانواده و همسان همسری قرار دارد. شکل شماره (۳) روابط علی و تجربی تأثیرگذاری متغیرهای مستقل تحقیق بر میزان طلاق عاطفی را نشان می‌دهد.



شکل (۳) دیاگرام تحلیل مسیر عوامل مؤثر در طلاق عاطفی

۷- بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با استفاده از روش تحقیق کمی به بررسی میزان شیوع و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در میزان طلاق عاطفی در خانواده‌های شهر تهران پرداخت. نتایج نظری تحقیق نشان داد که نظریه کارکردی - ساختی قدرت تبیین بالایی در میزان طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی دارد. بر اساس این نظریه، نتایج تحقیق حاکی است که عواملی مانند نظم و سرمایه اجتماعی درون خانواده، دینداری، سلامت زوجین و همسان همسری از جمله عواملی کارکردی هستند که می‌تواند در کاهش میزان طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی اثرگذار باشد. بر اساس یافته‌ها، متغیرهای «فرسودگی شغلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رضایت جنسی زوجین از همدیگر و مدت ازدواج» با توجه به مقدار سطح معناداری ۰/۰۵ با متغیر طلاق عاطفی رابطه معناداری ندارند.

از نتایج تحقیق می‌توان استنباط کرد که متغیرهای «سرمایه اجتماعی درون خانواده، ساختار قدرت در خانواده، سطح سلامت جسمانی - روانی زوجین، سطح دینداری زوجین، میزان نظم درون خانواده و میزان همسان همسری» رابطه معناداری با میزان طلاق عاطفی دارند، به طوری که حدود ۶۵ درصد از تغییرات میزان طلاق عاطفی را در خانواده‌های تهرانی تبیین می‌کنند. رابطه بین این متغیرها با طلاق عاطفی، برخی از نتایج مطالعه باستانی و دیگران را تأیید می‌کند، هر چند که در این تحقیق متغیرهایی مطرح شد که مطالعات معدود پیشین بدان نپرداخته‌اند.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که حدود ۶/۵ درصد از خانواده‌های تهرانی معتقدند که مبتلابه طلاق عاطفی به میزان بالا هستند.^۱ پرسش از طلاق عاطفی در جامعه ایرانی با توجه به آنکه با حوزه خصوصی افراد سروکار دارد کار چندان ساده‌ای نیست؛ لذا در این تحقیق تلاش شد تا گویه‌هایی مطرح شود که پاسخ‌گویان به آن حساسیت زیادی نداشته باشند. بنابراین می‌توان گفت درصد خانواده‌های تهرانی که به مسئله طلاق عاطفی

۱ - با توجه به آنکه میزان طلاق عاطفی در خانواده‌های شهر تهران - یعنی حدود ۷ درصد - تا حدودی تأمل‌برانگیز است، به این دلیل که اولاً پرسش از حوزه خصوصی خانواده‌ها در ایران بسیار مشکل است و حتی اگر از دقیق‌ترین گویه‌ها نیز استفاده شود ممکن است ابزار اندازه‌گیری با خطا مواجه شود. نکته دیگر آنکه میزان طلاق واقعی در شهر تهران بیشتری میزان در بین استان‌های کشور را دارد؛ لذا ممکن است زمانی که میزان طلاق عاطفی به میزان بالای خود برسد افراد اقدام به طلاق قانونی بکنند، می‌توان گفت چون طلاق واقعی بالاست لذا احساسات و عواطف سرکوب شده زودتر به طلاق قانونی می‌انجامد به همین دلیل می‌تواند بر میزان طلاق عاطفی اثرگذار باشد. ممکن است در استان‌هایی که میزان طلاق قانونی پایین است، میزان طلاق عاطفی بالا باشد.

گرفتارند، پایین است. نکته‌ای که در این ارتباط بایستی بدان توجه داشت این موضوع است که آیا این میزان، آمار واقعی طلاق عاطفی در شهر تهران است و یا اینکه این میزان می‌تواند بالاتر باشد. به نظر می‌رسد با توجه به آنکه تهران بالاترین میزان طلاق قانونی در بین استان‌های کشور را دارد و تا حدودی قبح طلاق از بین رفته است، شاید زوجین به راحتی زمانی که ازدواج به مرحله کشمکش و ناسازگاری برسد، از همدیگر طلاق می‌گیرند و لذا طلاق عاطفی منجر به طلاق واقعی می‌شود، در نتیجه بین زوجین عواطف سرکوب شده‌ای وجود ندارد.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به اهمیت موضوع طلاق عاطفی در ساختار خانواده ایرانی، در شورای اجتماعی - فرهنگی زنان یک کارگروه تخصصی از متخصصین جامعه‌شناسی و سایر رشته‌های تخصصی تشکیل شود.
- بر اساس یکی از نتایج تحقیق، دینداری یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کاهش طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که نهادهای ذی‌ربط مانند صدا و سیما و سایر سازمان‌ها در برنامه‌های خود بیشتر به نقش اهمیت دینداری در قوام و دوام ساختار خانواده توجه نشان دهند.

- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همسان همسری یکی از متغیرهای مهم در کاهش طلاق عاطفی است، بدین معنا که به هر میزان، اشتراکات زوجین در ابعاد مختلف زندگی بیشتر شود، زمینه‌های تعارض در خانواده کاهش می‌یابد. پیشنهاد می‌شود که در سازمان‌های متولی خانواده، مشاوره‌های پیش از ازدواج به طور جدی دنبال شود و همانند تعیین گروه خون در قبل از ازدواج، مشاورین خانواده، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، زوج‌های ناهمسان را نسبت به اهمیت موضوع متنبه کنند. اجباری کردن مراجعه به مشاورین خانواده در رشته‌های مختلف تخصصی از جمله ضروریات این موضوع است. زوجین بایستی تأییدیه همسانی و سازگاری زوجین را به دفاتر ثبت ازدواج ارائه کنند. تشخیص همسانی زوجین بر عهده مشاورین و متخصصین خواهد بود. انجام دادن این راهکار مانع از شکل‌گیری ازدواج زوجینی می‌شود که با همدیگر ناسازگارند.

- یکی از مسائلی که در برخی از خانواده‌های تهرانی - به خصوص خانواده‌هایی که با مشکلات مالی مواجه‌اند - وجود دارد مسئله فرسودگی شغلی است. در این نوع از خانواده‌ها، سرپرستان خانواده‌ها مجبورند به دلیل ماهیت شغل و تأمین مایحتاج خانواده در بیرون از خانه یک شغل یا بیشتر داشته باشند. در این شرایط فشار شغلی ممکن است پیامدهای عاطفی و روانی منفی‌ای را به خانواده منتقل کند. برخی از مشاغل هستند که بنا به ماهیت خاص خود سختی بیشتری دارند مانند رانندگان تاکسی، اتوبوس،

پرستاران و ... سازمان‌های مسئول این مشاغل بایستی تمهیداتی بیاندیشند تا بخشی از سختی کار این نوع از مشاغل، کاسته شود تا این گروه‌ها خستگی ناشی از کار را به درون خانه منتقل نکنند. این مشاغل بایستی شناسایی و بر اساس میزان فرسودگی شغلی رتبه‌بندی شوند. بعد دیگر این مسئله دوشغله بودن است، عمدتاً نیازهای مادی و مالی خانواده‌ها را به سمت دو شغله بودن سوق می‌دهد. تأمین رفاه خانواده‌ها و ارتقا سطح اقتصادی این خانواده‌ها توسط دستگاه‌های مختلف کشور نقش مهمی در کاهش دو شغله بودن و فرسودگی شغلی خواهد داشت.

منابع

- ◀ اخوان تفتی، مهناز. «پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن»، *مطالعات زنان*، سال ۱، ش ۳، (۱۳۸۲).
- ◀ آزاد ارمکی، تقی ۱۳۸۶. *جامعه شناسی خانواده ایرانی*، تهران، سمت.
- ◀ باستانی، سوسن و دیگران. «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، *مسائل اجتماعی ایران*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، (۱۳۸۹).
- ◀ برناردز، جان ۱۳۸۴. *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نی.
- ◀ چلبی، مسعود ۱۳۸۲. *جامعه‌شناسی نظم*، تهران، نی.
- ◀ ستوده، هدایت الله و سیف الله بهاری ۱۳۸۶. *آسیب شناسی خانواده*، تهران، ندای آریانا.
- ◀ سگالن، مارتین ۱۳۸۵. *جامعه شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، مرکز.
- ◀ مقصودی منیژه و شهناز محمدی. «فرسودگی شغلی و دل‌زدگی زناشویی (مطالعه موردی: زنان متخصص جراحی زنان و زایمان، شاغل در بیمارستان‌های شهر تهران)»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره‌ی ۸، ش ۳، (۱۳۸۹).
- ◀ مک کارتی، جین ربنز و روزالیند ادواردز ۱۳۹۰، *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران، علم.
- ◀ موسایی، میثم ۱۳۸۶. *طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری*، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران.
- ◀ هنریان، مسعود و سید جلال یونسی. «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران»، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، سال ۱، ش ۳، (۱۳۹۰).
- Amato, Paul. "The Consequences of Divorce for Adults and Children" *Journal of Marriage and the Family*, 62, (2000).
- Bradbury, Thomas and. et al. "Research on the nature and determinants of marital satisfaction: a decade in review" *Journal of Marriage and the*

Family, 62 (2000).

- Larson ,Jeffry and Thomas B. Holman, “premarital predictors of marital quality and stability”, *Family Relations*, Vol. 43, No. 2, (1994).
- Musai ,Maysams & et al. “The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran”. *British Journal of Arts and Social Sciences*. Vol.1 No.2, (2011).
- Schramm, David. “Individual and Social Costs of Divorce in Utah” *Journal of Family and Economic Issues*, Vol. 27(1), (2006).
- <http://www.sabteahval.ir>

Archive of SID